

توهين در رسانه از منظر حقوق بين الملل و حقوق ايران

سيد ياسر ضيائي^{۱*}، جواد طباطبائي^۲

۱. استاديار دانشكده حقوق دانشگاه قم، قم، ايران

۲. دكتري علوم سياسي دانشگاه علامه طباطبائي، تهران، ايران

پذيرش: ۱۳۹۲/۴/۲۹

دريافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

توهين در رسانه امری محتمل است. ماهيت کار رسانه ای اقتضا می کند تا نظام حقوقی حاکم بر توهين در رسانه واجد ویژگی های باشد. به همین منظور نظام های حقوقی مختلف، امتیازاتی را در محاکم برای رسانه ها در موارد ایراد اتهام توهين به آنها در نظر گرفته اند. مصونیت مشروط برای رسانه از جمله امتیازاتی است که لازم است در طرح دعوی توهين علیه رسانه مدنظر محاکم قضایی قرار گیرد. نظام حقوقی ايران بدون توجه به این مصونیت، قلمرو مصادیق توهين از طریق رسانه را گسترده تر از مصادیق توهين از سوی افراد عادی در نظر گرفته است. هرچند علت سختگیری قانونگذار ویژگی عمومی بودن و انتشار وسیع برنامه های رسانه است، اما این رویکرد می تواند در مصاف با اصل آزادی بیان با چالش مواجه شود. نظام حقوقی ايران در ارتباط با توهين در رسانه را می توان با توجه به کارویژه رسانه تکمیل و تقویت کرد و نظام مطلوب برای توزیع مسؤولیت در میان دست اندرکاران رسانه در جریان یک توهين را تدوین کرد.

واژگان کلیدی: توهين، رسانه، حقوق بين الملل، حقوق ايران، مصونیت مشروط



۱. مقدمه

ماهیت رسانه اقتضا می‌کند تا اخبار و گزارش‌ها را به طور روزآمد در اختیار مخاطبین خود قرار دهد. ویژگی سرعت در کار رسانه موجب می‌شود تا گاه اظهاراتی منتشر شود که یا با واقعیت همخوانی ندارد و یا موجب خدشه به جایگاه اجتماعی، شخصیت، حرمت یا آبروی افراد شود. این مشکل همچنین در خصوص شایعات موجود در جامعه، برنامه‌های طنز و برنامه‌های پخش زنده نیز متداول است. ظهور رسانه‌های فراملی موجب شده‌اند تا مسأله توهین به دولت‌های دیگر و یا توهین از درون سرزمین‌های دیگر نیز مطرح شود و بر پیچیدگی موضوع بیفزاید.

اهمیت حفظ حرمت اشخاص به حدی است که قانونگذاران در کشورهای مختلف را وادار به اختصاص بخشی از قوانین کیفری خود به موضوع توهین کرده است. با این حال توجه به موضوع «توهین در رسانه» را که ویژگی‌های متفاوتی دارد کم‌تر می‌توان در قوانین داخلی کشورها مشاهده کرد. نظام حقوقی ایران قوانین مجزایی را برای برخی مصادیق توهین در رسانه در نظر گرفته است که با مبانی اسناد و رویه قضایی بین‌المللی در رابطه با توهین تفاوت‌هایی دارد. برای ارزیابی جایگاه نظام حقوقی ایران در ارتباط با توهین در رسانه لازم است ابتدا به مفهوم حقوقی توهین و مبانی حقوقی آن و سپس به جایگاه توهین در رسانه از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق ایران بپردازیم.

۲. تعریف توهین و قلمرو آن

ریشه لغوی توهین و اهانت تفاوت دارد، زیرا حروف اصلی توهین «و ه ن» و حروف اصلی اهانت «ه و ن» است، ولی به دلیل نزدیکی معانی، در فرهنگ‌های فارسی برای ترجمه و تبیین معانی یکدیگر نوشته شده‌اند [۱، ص ۴۴]. در تفاوت میان توهین و اهانت می‌توان گفت که توهین اظهارنظری است که در حیثیت کسی وهن و سستی ایجاد کند، بدون آن‌که او را به صفتی واقعی متصف کند؛ اما در اهانت (تهمت یا افترا) واقعیاتی

تحقیر آمیز به افراد منتسب می‌شود. در تعریف افترا بیان شده که «افترا، ابراز اظهاراتی است که ادعایی اشتباه را مطرح کرده، به‌صراحت یا به‌طور ضمنی حکایت از واقعیت می‌کند و ممکن است تصویری منفی از یک فرد، تجارت، محصول، گروه، دولت یا ملت ارائه دهد» [۲، ص ۶۴]. اصل اساسی در اهانت، تهمت یا افترا این است که صفتی به شخص نسبت داده شود که در صورت اثبات، جرم باشد. به عبارت دیگر تفاوت توهین و اهانت در این است که در «توهین» صفت انتسابی لزوماً جرم نیست، اما در «اهانت» این صفت باید جرم باشد. تهمت درخصوص انتساب جرائم علیه عفت عمومی تخصیص خورده است و آن را تبدیل به «قذف» می‌کند و در صورتی که متضمن الفاظ رکیک باشد، بدون این‌که متکلم نسبت معلومی به طرف خود بدهد «فحش» نامیده می‌شود [۳، ص ۲۸].

برخی از حقوقدانان ادعا کرده‌اند که مفهوم توهین به قدری کشدار است که نمی‌توان آن را تعریف کرد. بدین جهت بر عهده هیأت منصفه دانسته‌اند که با توجه به موقعیت شاکی و اوضاع و احوال، موهن بودن عمل را تشخیص دهد [۴، ص ۱۸۱]. توهین در معنای عام عبارت است از هرگونه عملی که به نحوی از انحاء در حیثیت شخص توهین شده، نوعی وهن وارد کند و لذا شامل اهانت، تهمت، فحاشی، هتک حرمت و قذف می‌شود. در این‌که لازم است اظهارات بیان شده در این جرائم منطبق با واقع باشد یا خیر، در نظام‌های حقوقی مختلف دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌طور مثال آمریکا، آلمان، استرالیا، آفریقای جنوبی و دیوان اروپایی حقوق بشر اثبات حقیقی بودن اظهار منتسب شده را موجب زایل شدن وصف مجرمانه عمل تلقی می‌کنند.^۱ در مقابل انگلستان، اوکراین و فرانسه (با شرایطی) تنها به وهن آور بودن توهین توجه دارند.^۲

۱. استدلال موجود در این خصوص این است که اولاً کسی حق ندارد بیش از منزلتی که دارد جایگاه اجتماعی داشته باشد و ثانیاً این‌که عموم جامعه حق دارند از شخصیت واقعی شخصی که با آن در ارتباط هستند مطلع شوند [۵، ص ۹۳۲].

۲. برای اطلاع از قوانین و رویه قضایی داخلی کشورهای اروپایی عضو شورای اروپا درخصوص توهین در رسانه رجوع کنید به: [۶].



می‌توان توهین را در معنای عام آن چنین تعریف کرد: «توهین عبارت از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار، رفتار، کتابت و اشارت است که به نحوی از انحا در حیثیت و شرافت طرف جرم، وهن وارد آورد و در معنای خاص عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور، اعم از دروغ و راست و به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد. به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا باعث تخفیف یا پست شدن طرف گردد، توهین تلقی می‌شود» [۴، ص ۱۸۱].

توهین از یک جهت به دو نوع شفاهی و نوشتاری تقسیم می‌شود.^۱ برخی نظام‌های حقوقی (مانند انگلستان) فقط توهین نوشتاری را قابل جبران دانسته‌اند چرا که معمولاً توهین نوشتاری از ویژگی ماندگاری بیش‌تری برخوردار است [۷، ص ۲۲] و توهین شفاهی را با اثبات خسارت قابل پیگرد دانسته‌اند. برخی کشورها مانند آلمان توهین شفاهی را به دو نوع توهین لفظی و توهین بدنی (عملی) تقسیم کرده‌اند [۸، ص ۷۸]. با توسعه فناوری‌های ارتباطی تفکیک میان این دو نوع توهین، مشکل است؛ چرا که توهین شفاهی می‌تواند توسط اشخاص زیادی شنیده شود و ماندگاری زیادی نیز داشته باشد.

اگر توهین‌کننده بتواند اثبات کند که توهین ایراد شده برای حفظ منفعتی بزرگ‌تر بوده است می‌تواند از مسؤولیت بگریزد. از این وضعیت به «وضعیت ممتان»^۲ یاد شده است که خود به دو وضعیت مطلق و مشروط یا مصونیت مطلق و مشروط قابل تقسیم است. مصونیت مطلق مربوط به اظهارات توهین‌آمیزی می‌شود که مقامات عمومی کشور مطرح می‌کنند. نمایندگان مجلس و قضات معمولاً از سوی قوانین اساسی و قوانین عادی در جریان اجرای وظایف خود مصون از تعقیب قرار می‌گیرند. مصونیت مطلق اصولاً به مسؤولین قانونگذاری و قضایی و بعضاً نظامی اعطا گردیده و اخیراً به مسؤولین اجرایی دولت یا کشور نیز تعمیم داده شده است [۹، ص ۶۷۸]. همچنین برخی

۱. در ادبیات انگلیسی برای توهین شفاهی از عبارت slander و برای توهین نوشتاری از عبارت libel استفاده می‌شود.

2. privileged occasion

مکان‌ها مشمول مصونیت مطلقند، مانند سخنان ابراز شده طی اقدامات قضایی یا نزد نهادهای انتخاباتی و مجالس قانونگذاری [۲، ص ۷۶]. در برخی شرایط انعکاس گزارش رسیدگی‌های قضایی نیز مشمول مصونیت مطلق می‌شود که بستگی به مجوز قانونی یا رضایت طرفین دعوا دارد. برخی قوانین این مصونیت را به مقامات غیردولتی نیز تعمیم داده‌اند؛ مانند مصونیت نامزدهای ریاست جمهوری در سخنرانی‌های تبلیغاتی [۵، ص ۹۲۹]. باید توجه داشت این مصونیت لزوماً چنین اشخاصی را از سایر اتهامات مانند فحاشی و نقض حریم خصوصی مبرا نمی‌سازد.

برخلاف مصونیت مطلق، مصونیت مشروط در مواردی است که خواننده اظهارات خود را به استناد وظیفه حقوقی، اخلاقی یا اجتماعی خود بیان کرده است. در مواردی که منفعت عمومی ناشی از این اظهارات نسبت به حیثیت فرد توهین‌شده اولویت داشته باشد، این مصونیت اعمال می‌شود؛ مانند گزارش یک جرم احتمالی به پلیس، انتشار تخلف‌ها و اتهام‌های سیاستمداران، یا آنگونه که دیوان اروپایی گفته است: «اظهارنظر اعضای احزاب مخالف دولت وقتی از موضوعات سیاسی به انتقاد می‌پردازند». با این حال، این دیوان بیان می‌دارد: «اگرچه ارائه گزارشی مختصر از یک سوءظن کیفری بر ضد یک سیاستمدار، قابل مجازات نخواهد بود، اما این به این معنا نیست که یک گزارش کامل از آن نیز قابل مجازات نیست» [۲، ص ۷۷]. باید توجه داشت که اعطای مصونیت مشروط منوط به حسن‌نیت توهین‌کننده است و سوءنیت خواننده نباید اثبات شود. محاکم برای اعطای این مصونیت به اهمیت گزارش یا اظهار بیان شده برای عموم نیز توجه می‌کنند [۵، ص ۹۳۱].

۳. توهین در رسانه از منظر حقوق بین‌الملل

توهین رسانه‌ای علیه یک دولت نمونه‌های متعدد تاریخی دارد که بعضاً با واکنش مواجه شده است. برای نمونه به چند مورد توهین رسانه‌ای و واکنش متقابل دولت توهین‌شده اشاره می‌شود: در سال ۱۹۸۰ در انگلستان برنامه‌ای منتشر شد که داستان آن، گردن



زدن یک شاهزاده عربستانی بود که متهم به رابطه نامشروع شده بود. این برنامه منجر به ایجاد اختلاف دیپلماتیک میان عربستان و انگلستان شد که با میانجیگری امریکا حل شد. درخصوص یکی دیگر از برنامه‌های انگلستان، معاون وزیر کشور مالزی بیان داشت که «ما به این نتیجه رسیدیم که اتباع مالزیایی در همکاری با رسانه بریتانیایی تصویری نادرست از کشور ارائه داده‌اند. این اقدام نکوهیده در انتقال گزارش‌های غلط به رسانه خارجی نوعی خیانت است». در موردی دیگر ژاپن به برنامه‌ای که در تلویزیون مجارستان منتشر شد و در آن شخصی به نحو استهزاآمیز به شکل ژاپنی‌ها در آمده بود اعتراض کرد. در قضیه‌ای دیگر در سال ۱۹۸۷ شبکه تلویزیونی آلمان به پخش برنامه‌ای در استهزای آیات عظام ایران پرداخت که موجب لغو پرواز تهران به فرانکفورت از سوی ایران شد و دو دیپلمات آلمانی از ایران اخراج شدند. در موردی دیگر نیز دو دیپلمات استرالیایی به دلیل انتشار تصویری تهدیدآمیز از آیات عظام ایرانی در تلویزیون استرالیا از سوی ایران اخراج شدند. در دهه ۱۹۸۰ نیز ایران و عراق دست به تبلیغات رادیویی و تلویزیونی علیه یکدیگر و در سرزمین یکدیگر زدند. ارسال پارازیت بر برنامه موجب شد تا دریافت برنامه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس با مشکل روبه‌رو شود [۱۰، ص ۱۵۵-۱۵۸].

در سطح بین‌المللی تلاش‌هایی برای جلوگیری از توهین رسانه‌ای علیه دولت‌ها صورت گرفته است. به طور مثال برخی کشورها به انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه ضدتبلیغات^۱ اقدام کردند. به طور نمونه موافقتنامه میان لهستان و آلمان مورخ ۱۹۳۱ که به دنبال انتشار لطیفه‌های لهستانی از رادیوی آلمانی منعقد شد، اشعار می‌دارد که هر طرف معاهده «تمام تلاش خود را می‌کند تا تضمین کند مسائل سیاسی، مذهبی، اقتصادی، فکری و هنری که از ایستگاه‌های رادیویی آن‌ها پخش می‌شود به روح همکاری و فهم متقابل لطمه‌ای وارد نسازد». در تلاشی دیگر در سال ۱۹۳۶ برخی

1. anti-propaganda bilateral agreements

کشورها به تصویب «معاهده بین‌المللی: استفاده از پخش برنامه در حفظ صلح»^۱ اقدام کردند. ماده ۱ این معاهده بیان می‌دارد: «انتشار برنامه‌هایی که ویژگی آن‌ها تحریک جمعیت یک سرزمین برای اقدام مغایر با نظم و امنیت داخلی یک سرزمین عضو معاهده است ممنوع است». طبق ماده ۳ نیز کشورها از انتشار بیاناتی که از صحت آن‌ها باید آگاهی داشته باشند، ممنوع هستند و در صورت انتشار لازم است که هرچه زودتر در تصحیح آن بکوشند.^۲ مجمع عمومی در قطعنامه ۸۴۱ مورخ ۱۹۵۴ از دبیرکل سازمان ملل خواست تا پروتکلی را تهیه کند تا کشورهای عضو را «از پخش برنامه‌هایی که حملات غیرمنصفانه یا توهین^۳ تلقی شود، نسبت به دیگر اشخاص در هر جا باشند» منع کند. آمریکا در اعلامیه‌ای که در مخالفت با این معاهده صادر کرد، بیان داشت که این معاهده مغایر با سند نهایی هلسینکی و آزادی اطلاعات است [۱۰، ص ۱۵۴].

اقدام متقابل در جرم توهین تنها در صورتی امکان‌پذیر است که توهین صورت گرفته از سوی یک رسانه دولتی خارجی علیه دولتی دیگر باشد؛ چرا که تنها در این حالت امکان طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت مطرح می‌شود و در صورت عدم امکان جبران خسارت از طرقی دیگر، توسل به اقداماتی چون ارسال پارازیت، قطع روابط دیپلماتیک و حتی توهین متقابل مشروعیت خواهد داشت. به طور مثال کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران و جمهوری لتونی قوانینی در حمایت از دولت‌ها یا مسؤولین خارجی در برابر توهین دارند [۱۱ ص ۸۴۰-۸۴۴] و لذا اقدام متقابل در قبال این کشورها پیش از رجوع به ساز و کارهای داخلی آن کشورها امکان‌پذیر نیست.^۴ هرچند کشور توهین‌شونده می‌تواند دست به اقدام متقابل بزند و یا مانع دریافت پیام

1. International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace (Geneva, 1936)

۲. این کنوانسیون توسط ۲۸ کشور امضا گردیده است. بلژیک و اسپانیا حق شرطی بر معاهده اعمال کردند، مبنی بر این‌که حق ارسال پارازیت بر پخش برنامه در موارد مقتضی را دارند.

3. unfair attacks or slanders

۴. نظام قضایی برخی دولت‌ها مانند آمریکا اجبار رسانه توهین‌کننده به عذرخواهی را قبول ندارند از آن جهت که تمایلی ندارند که رسانه خصوصی، مطالبی را اظهار کند که به آن اعتقادی ندارد [۵، ص ۹۴۱].

توهین‌آمیز شود [۱۰، ص ۱۶۱] اما چنانچه توهین صورت گرفته فراملی نباشد و تنها درون همان کشور صورت پذیرد، به نظر می‌رسد اقدام متقابل محدود به اقدام درون همان کشور شود. در واقع، طبق عنصر تناسب در اقدام متقابل، توهین دولتی فراملی در پاسخ به یک توهین دولتی در داخل یک کشور پذیرفتنی نیست.

۳-۱. توهین رسانه‌ای و صلاحیت دولتها

ممکن است توهین درون سرزمین یک کشور منتشر شود، در حالی که موضوع توهین در کشوری دیگر باشد. در این حالت صرفنظر از دولتی یا خصوصی بودن رسانه توهین‌کننده، طرح دعوی توهین در کشور محل انتشار توهین براساس صلاحیت سرزمینی و در کشور متبوع توهین‌شونده براساس صلاحیت شخصی امکانپذیر است. با این حال برخی محاکم صلاحیت سرزمینی، یعنی صلاحیت کشور محل تولید^۱ را به صرف تولید و پخش برنامه کافی ندانسته، تنها کشور محل «انتشار» را صالح به رسیدگی می‌دانند [۱۲، ص ۱۰۵۳]. بر این اساس دریافت بیان توهین‌آمیز از سوی هر کسی جز شخص توهین‌شونده، «انتشار» محسوب می‌شود. میزان لطمه به شهرت، بستگی به نگرش مخاطبینی دارد که بیان توهین‌آمیز برای آن‌ها منتشر شده است که می‌تواند با تغییر زمان و مکان انتشار، تأثیر آن متفاوت باشد.^۲ به طور مثال دادگاهی در استرالیا در قضیه‌ای به این نتیجه رسید که جرم در محل «انتشار» ارتکاب یافته است و محل انتشار جایی است که توهین از سوی خواننده، شنونده یا ناظر ملاحظه شود و در ارتباط با توهین، کشوری صلاحیت دارد که جرم در آن کشور ارتکاب یافته است که معمولاً محل اقامت توهین‌شونده است [۱۳، ص ۲۰۵]. در مورد قانون قابل اعمال در توهین از طریق شبکه‌های کابلی (همچون شبکه‌های اینترنتی ثبت‌نامی) باید توجه داشت

1. state of origin

۲. به طور مثال کمونیست خواندن یک امریکایی در سال ۱۹۳۹ می‌توانست در برخی جوامع توهین محسوب نشود، اما امروزه چنین اتهامی می‌تواند توهین محسوب شود [۵، ص ۸۸۲].

که قانون کشور محل شبکه کابلی، قانون اصلح خواهد بود؛ چرا که این‌گونه شبکه‌ها به دلیل عضویت مخاطب در آن، بر اعضای خود کنترل دارند و همچنین از عضویت اعضای خود منتفع می‌شوند [۱۴، ص ۱۰۵۱].

چنانچه توهین از طریق رسانه‌ای فراملی منتشر شود براساس تئوری «محل انتشار»، محاکم تمام کشورهای محل دریافت توهین صالح به رسیدگی به آن هستند. در این صورت ممکن است جبران خسارت بیش از آنچه که لازم باشد بر خواننده تحمیل شود. به همین دلیل برخی کشورها قوانینی برای جلوگیری از طرح مضاعف دعوا در کشورشان دارند. حتی در صورت فقدان چنین قانونی براساس اصل اعتبار امر مختوم^۱، رسیدگی مضاعف ممنوع است. با این حال «اصل دعوی واحد»^۲ مانع از طرح دعوا در کشورهای دیگر علیه مسئولین دیگر یک جرم توهین نیست [۵، ص ۹۴۷]. یکی از نکات مغفول درخصوص توهین از طریق رسانه‌های فراملی، اهمیت شناخته شدن شخص توهین شده در سرزمین محل انتشار توهین است. بر اساس تئوری «تأثیر بر شخص ثالث»^۳، شناخته بودن شخص برای مخاطب اهمیت خواهد یافت و در غیر این صورت جرم توهین محقق نشده است. باید توجه داشت در هر حال جرم توهین درخصوص افرادی که شخصیتی بین‌المللی دارند، مفروض خواهد بود [۱۱، ص ۲۰۶]. به سبب خلأ قانونی موجود در قوانین داخلی کشورها در ارتباط با جرم توهین در رسانه (خصوصاً رسانه‌های فراملی)، شورای اروپایی بر تصویب داوطلبانه کد رفتاری از سوی رسانه‌ها در ارتباط با توهین تأکید کرده است [۱۴].

۲-۳. مصونیت و مسئولیت در توهین رسانه‌ای

ماهیت کار رسانه‌ای اقتضا می‌کند تا روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های جمعی از مصونیت مشروط بهره برند تا گزارش دقیق و منصفانه‌ای از اقدام مقامات رسمی ارائه کنند.

1. res judicata
2. consolidated action



میزان مصونیت با توجه به نحوه ارائه گزارش متفاوت خواهد بود. چنانچه گزارش ارائه شده، دولتی باشد و ضمن انعکاس دقیق گزارش به این موضوع اشاره شود، مصونیت کامل خواهد بود [۵، ص ۹۲۹]. باید توجه داشت زمانی که گزارش، خود مشمول مصونیت مطلق شود، مصونیت رسانه نیز مطلق خواهد بود. همچنین گفته شده است در مواردی که رسانه جمعی گزارش یا سخنرانی مهمی را برای اولین بار پخش می‌کند نمی‌توان انتظار داشت که رسانه از صحت اطلاعات مطلع باشد [۵، ص ۹۲۹] و لذا مشمول مصونیت خواهد شد.

در برخی نظام‌های حقوقی نیز اطلاعاتی که «ارزش خبری» داشته باشد از اتهام نقض حریم خصوصی یا توهین مصون هستند. دیوان اروپایی حقوق بشر در این رابطه اشعار داشته است «الزام روزنامه‌نگاران به فاصله گرفتن رسمی و سازمان‌یافته از نقل قول مطالبی که ممکن است موجب اهانت یا خشم دیگران شود یا به حیثیت آن‌ها آسیب بزند، با نقش رسانه در اطلاع‌رسانی از وقایع، نظرها و عقاید جاری، سازگار نیست». با این حال این دیوان در قضیه‌ای دیگر بیان داشت «حمایتی که ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از گزارش‌های مورد علاقه عموم توسط روزنامه‌نگاران کرده، مشروط به این است که در تهیه اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، مطابق با «اخلاق حرفه روزنامه‌نگاری» و با حسن نیت عمل کنند». در قضیه‌ای دیگر در دادگاه آفریقای جنوبی، آگاهی یا تلاش معقول برای آگاهی مطبوعات از صحت خبر انتشاری نیز لازم شمرده نشد، چرا که انتشار سخنرانی شخص وزیر را مرتبط با منافع عمومی می‌دانست [۲، ص ۷۴]. دادگاهی در اتریش نیز معتقد است که اگر تهیه‌کننده یا مدیر پخش برنامه بتواند اثبات کند که «مراقبت رسانه‌ای» را به خرج داده و منفعتی عمومی در انتشار برنامه بوده است، از مسئولیت ناشی از توهین مبرا می‌شود. رویه قضایی آمریکا همچنین رسانه‌ها را در انتشار اظهارات متضمن توهین که در راستای منافع دولت فدرال باشد، مصون از تعقیب دانسته است [۵، ص ۹۱۰]. نقل افکار عمومی و شایعات رایج در جامعه نیز یکی دیگر از دفاعیاتی است که رسانه‌ها می‌توانند در برابر

دعاوی مربوط به توهین مطرح کنند. دیوان اروپایی حقوق بشر در این رابطه ابراز داشت که نقل شایعات در صورتی مجاز است که خالی از مبنای واقعی نباشد [۲، ص ۷۵]. یکی دیگر از مواردی که رسانه را به سبب توهین در برنامه نباید مسئول شناخت، بداهه‌گویی‌های پخش زنده است که امکان اثبات تقصیر رسانه در این موارد مشکل است [۵، ص ۹۰۸]. دولت اوکراین یکی از کشورهایی است که قوانین کاملی در این خصوص دارد. قانون رادیو و تلویزیون اوکراین، مسئولیت رسانه در توهین به اشخاص را در این موارد منتفی می‌داند: اطلاعات اظهار شده از آژانس‌های خبری گرفته شده باشد، در جریان انتشار اسناد رسمی اتفاق افتاده باشد، اظهار بیان شده به نقل از رسانه‌ای دیگر باشد که قبلاً آن را منتشر کرده است، شامل اطلاعات محرمانه‌ای شود که به طور غیرقانونی به دست خبرنگاران نرسیده باشد. با این حال سانسور پیش از انتشار برنامه به بهانه جلوگیری از توهین، مغایر با اصل آزادی بیان و حقوق بین‌الملل بشر تلقی شده است [۱۵، ص ۲۱۶].

یکی از مسائل مهم بعد از وقوع توهین از طریق رسانه، تعیین منتشرکننده (مسئول) توهین است. مشخص نیست که در انتشار یک برنامه توهین‌آمیز از رسانه، مسئولیت بر دوش نویسنده است یا تهیه‌کننده و یا رسانه. امنیت شغلی تهیه‌کنندگان و نویسندگان در فعالیت رسانه‌ای اقتضا می‌کند تا رسانه‌ها به انعقاد قراردادهای غرامت^۱ برای انتقال خسارت اقدام کنند [۵، ص ۹۱۶]. در این حالت، نویسنده و تولیدکننده ممکن است تنها در برابر رسانه مسئولیت داشته باشد. به نظر می‌رسد این روش مغایر با هدف قوانین توهین باشد که هدف آن‌ها استقرار خسارت بر کسی است که عامدانه توهین کرده است. لذا ممکن است این قراردادها تنها در موارد سهوی معتبر باشد. روش دیگر توسل به بیمه‌ای است که برخی رسانه‌ها برای جلوگیری از ثبت دعاوی توهین منعقد می‌کنند. این بیمه‌ها معمولاً برای برنامه‌های قدیمی و ساعات خاصی از پخش منعقد می‌شوند.

1. indemnification contract



همچنین بیمه توهین^۱ برای شخصی خاص به ندرت اتفاق می‌افتد. این بیمه‌ها معمولاً برای توهین‌های اتفاقی، سهوی و نیابتی^۲ پرداخت می‌شوند [ص ۹۱۶].

۴. توهین در رسانه از منظر حقوق ایران

قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ تنها منبع موجود برای توهین، مواد ۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ بود^۳ که ماده اول درخصوص تعیین برخی مصادیق است و ماده دوم درخصوص توهین به رهبر و مراجع تقلید ماده ۶ را تخصیص می‌زند [ص ۱۸۴]. بنابراین تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی، با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها صرفاً کسانی که از طریق مطبوعات به مقدسات مذهبی اهانت می‌کردند قابل تعقیب کیفری بودند [ص ۱۷، ۶]، اما بعد از آن در سال ۱۳۷۵ مواد ۵۱۳ تا ۵۱۷ و مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۹، ۶۹۷ و ۶۹۸ در قانون مجازات اسلامی به عنصر قانونی جرم توهین اضافه شدند. باید توجه داشت که میان توهین در مطبوعات (رسانه‌های مکتوب) و توهین از سایر طرق، تفاوت‌هایی وجود دارد. به طور مثال در حالی که در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی صرفاً اهانت به «مقدسات اسلام» جرم قلمداد گردیده است، در ماده ۲۶ قانون مطبوعات علاوه بر اهانت به مقدسات

1. defamation insurance

2. vicarious defamation

نظریه توهین نیابتی مبتنی بر نظریه مسؤولیت نیابتی (vicarious liability) است که طبق آن یک کارفرما مسؤولیت اقدامات کارگر خود را به عهده می‌گیرد. به علت شباهت روابط میان کارگر و کارفرما با روابط میان نویسنده یا تولیدکننده و رسانه موضوع مسؤولیت نیابتی در توهین اهمیت می‌یابد. در توهین نیابتی رسانه‌ای که توهین را منتشر کرده است به جای نویسنده یا تولیدکننده مسؤولیت خواهد داشت. دو شرط لازم برای مسؤولیت نیابتی در جرم توهین در رویه قضایی کانادا عبارتند از این‌که پیوند کافی میان توهین‌زننده و مسؤول نهایی وجود داشته باشد و جرم در راستای وظایف توهین‌زننده تحقق یافته باشد. برای مشاهده انواع توهین نیابتی در رسانه‌های اینترنتی رجوع کنید به: [ص ۲۱۷-۲۳۰]. همچنین [ص ۱۶].

۳. این دو ماده مصادیق توهین در مطبوعات را ذکر می‌کنند که ماده ۶ در دوازده بند و ماده ۲۷ در یک بند این مصادیق را معرفی کرده‌اند.

اسلام، توهین به کلیت «دین مبین اسلام» که اعم از مفهوم مقدسات اسلام است، جرم مطبوعاتی تلقی گردیده است.

در خصوص قلمرو توهین میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود داشت که موجب تصویب یک استفساریه در این خصوص از سوی مجلس شورای اسلامی شد. «ماده واحده تفسیر مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۷ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴» بیان می‌دارد «از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد». با توجه به این ماده واحده، چند نکته قابل استنباط است: اول این‌که اثبات حقیقت در ارتکاب جرم توهین موجب ازاله وصف مجرمانه آن نمی‌شود. ثانیاً در وقوع جرم توهین نیازی به سوءنیت خاص وجود ندارد.^۱ ثالثاً نیازی به اثبات ورود خسارت به شخص توهین‌شده وجود ندارد. رابعاً ترک فعل نمی‌تواند به عنوان توهین تلقی شود.^۲ خامساً این‌که اعمال و حرکات نیز از مصادیق توهین به حساب می‌آید. مشاهده می‌شود که قانونگذار ایران قلمرو مفهومی جرم توهین را تا حد امکان گسترش داده است.^۳ حقوق ناظر بر توهین رسانه‌ای در ایران بسته به این‌که توهین از یک رسانه ملی منتشر شده

۱. در خصوص اقداماتی که ظهور در توهین دارند برای محکمه احتیاجی به ثبوت قصد توهین نیست و ادعای قصد عدم توهین را باید مرتکب ثابت کند [۴، ص ۱۹۴].

۲. در مقابل، برخی مانند دکتر اردبیلی معتقدند با توجه به این‌که قانونگذار توهین را تعریف نکرده است و از نظر عرفی نیز مفهوم توهین یک مفهوم عام و گسترده و از امور نسبی است که با توجه به عرف، زمان، مکان، فرهنگ، باورها و شخصیت طرف توهین تفاوت می‌کند، وجهی ندارد که دایره آن محدود به توهین ناشی از فعل شود؛ چون همه حقوقدانان قبول کرده‌اند که ترک فعل می‌تواند عنوان مجرمانه به خود بگیرد، زمانی که انجام آن فعل از نظر قانون بر مرتکب لازم باشد [۱۸، ص ۲۱۰].

۳. جرم توهین به استناد ماده ۷۲۷ از جرائم قابل گذشت نیز محسوب می‌شود [۱۹، ص ۶۱-۶۴].



باشد یا از یک رسانه خارجی متفاوت خواهد بود.

۴-۱. توهین در رسانه ملی

ماده ۱۹ قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱ در رابطه با توهین دولتی بیان داشته است «در کلیه برنامه‌ها به‌ویژه اخبار، مسائلی که حاوی نکات زیر باشد، قابل پخش نیست: ... ب) تهمت به نهادها و ارگان‌های رسمی کشور و گروه‌ها و جمعیت‌ها و احزابی باشد که طبق قانون احزاب فعالیت آن‌ها قانونی است». ماده ۳۰ الحاقی ۱۳۸۸/۳/۲۳ به اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ درخصوص توهین فردی این‌گونه اشعار می‌دارد: «چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی - تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد و یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف گردد، مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد...». در این ماده به حق پاسخگویی در برابر توهین ظرف ۲۴ ساعت و حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان اشاره شده است. همچنین لازم است که پاسخ ذینفع متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. طبق این مقرر مرجع تشخیص مصادیق توهین «شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما» خواهد بود. باید توجه داشت که این حق پاسخگویی مانع از پیگیری مستقیم شاکی نسبت به سایر جهات کیفری از طریق دادگاه نخواهد بود. مشاهده می‌شود که نظام حقوقی حاکم بر توهین فردی در رسانه ملی نظامی خودبسنده^۱ است که به موازات حق طرح دعوی کیفری امکان طرح دعوی حق پاسخگویی نیز وجود دارد. باید توجه داشت که حق پاسخگویی تنها در برابر «توهین»

1. self-contained

پیش‌بینی نشده است، بلکه این حق توسط «قواعد حاکم بر برگزاری مناظرات انتخاباتی در تلویزیون» مصوب کمیسیون بررسی تبلیغات مورخ ۱۳۸۸، به دنبال «انتقاد» به نامزدهای ریاست جمهوری در غیاب آن‌ها در مناظرات تلویزیونی نیز پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است که مجازات تعیین‌شده در مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ برای جرم توهین، شلاق و حبس است که برای رسانه به عنوان یک شخص حقوقی امکان‌پذیر نیست و لذا اجرای آن بر مدیر شبکه، تهیه‌کننده، نویسنده و یا مجری بسته به مبانی نظری مسؤولیت کیفری در ایران دارد که در این باره ابهام وجود دارد.^۱

علاوه بر این، معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصادیقی از توهین را در مضامین فیلم‌ها ممنوع کرده است که متأسفانه این مقررات قانوناً نمی‌تواند سایر تولیدات تلویزیونی را شامل شود. برخی از مصادیق توهین که ممنوع شده عبارت است از: انکار و اهانت مستقیم یا غیرمستقیم به توحید پروردگار و ادیان و کتب آسمانی، پیغمبران [۲۰، ص ۱۵۲]، مقدسات و ائمه اطهار، روحانیت و مفاخر مذهبی؛ توهین به باورهای دینی و مذهبی ملت مسلمان ایران؛ به تصویر کشیدن چهره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)؛ بیان خطا و اشتباه افراد یا خصوصیات فردی با نشانه‌های خاص مذهبی به گونه‌ای که باعث شمول آن به سایر افراد آن مذهب شود؛ اهانت، سست و مخدوش کردن هر یک از ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی؛ نامگذاری شخصیت‌های منفی با نام‌هایی که ریشه مذهبی دارند؛ طرح گفتارها و ارائه تصاویری که روش، روح و جوهر اثر، احساسات مسلمانان را جریحه‌دار و به عقاید آن‌ها توهین کند [۲۱، ص ۱۰۴].

هرچند «ماده واحده تفسیر مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۷ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی» کاذب بودن توهین را شرط تحقق توهین ندانسته است، اما مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون

۱. این موضوع در ارتباط با مطبوعات متفاوت است، چرا که قانونگذار از ابتدا با در نظر داشتن ماهیت مطبوعات در کنار امکان طرح مسؤولیت کیفری مدیرمسئول و نویسنده، مجازات‌هایی قابل اجرا بر مطبوعات نیز پیش‌بینی کرده است.



مجازات اسلامی اثبات واقعی بودن فحواي توهين را زایل‌کننده و صف مجرمانه جرم دانسته‌اند.^۱ همان‌طور که مشخص است این دو ماده تعمداً موضوع ماده واحده تفسیری قرار نگرفته‌اند. ویژگی مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ در عمومی بودن توهين و انتشار توهين از طریق رسانه‌های جمعی است. استفاده از عباراتی نظیر «تواند صحت آن اسناد را ثابت نماید»، «اکاذیبی را اظهار نماید» و «اعمالی را برخلاف حقیقت نسبت دهد» در این مواد نشان از آن دارد که اثبات واقعی بودن مضمون توهين می‌تواند آن را از وصف مجرمانه بودن تهی سازد. البته باید توجه داشت که این دو ماده تمام مصادیق توهين از جمله توهين مشدد، توهين به مقامات خارجی،^۲ فحاشی و غیره را شامل نمی‌شود.

برخی از اقدامات نامشروع رسانه‌ای در حقوق ایران نیز «در حکم توهين» محسوب شده است. ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مورخ ۱۳۹۲ درخصوص «اصل علنی بودن رسیدگی قضایی» بیان می‌دارد «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه

۱. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد». ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی ایران: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رسماً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

۲. ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهين نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود، مشروط به این که در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود».

فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افترا است». یکی از این استثنائات «قانون مربوط به افشای نام مفسدین اقتصادی» مصوب ۱۳۸۵ است که طبق آن افشای نام محکومین برخی جرائم از سوی رسانه‌های عمومی مجاز اعلام شده است. در مجموع به نظر می‌رسد حقوق ایران بدون در نظر گرفتن مصونیت مشروط برای رسانه، تنها موردی که رسانه را از تعقیب به اتهام توهین مصون دانسته، مورد اخیر است که آن هم نمی‌تواند مصداق واقعی توهین باشد.

۲-۴. توهین در رسانه‌های خارجی

باید توجه داشت که صلاحیت محاکم ایران در رسیدگی به جرم توهین در رسانه‌های خارجی دو حالت دارد: چنانچه توهین منتشرشده از مصادیق توهین در قانون مجازات اسلامی باشد، صلاحیت شخصی و موضوعی برای محاکم ایران وجود خواهد داشت؛ چرا که مواد مربوط به توهین در قانون مجازات اسلامی در مورد مرتکب جرم عبارت «هر کس» را به کار برده است، و لذا حکم ماده را نسبت به همه افراد تعمیم می‌دهد و تابعیت مرتکب جرم خصوصیتی ندارد. اما از آن‌جا که صلاحیت سرزمینی در قانون مجازات به رسمیت شناخته شده اعمال صلاحیت منوط به این است که اولاً انتشار توهین در سرزمین جمهوری اسلامی ایران بوده باشد و ثانیاً محل انتشار به معنای محل ارتکاب جرم تلقی شود.

اما مصادیقی از توهین که در قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و همچنین دستورالعمل‌های معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ذکر شده است و با مصادیق ذکر شده در قانون مجازات اسلامی هم‌پوشانی ندارد، از شمول صلاحیت قانونی ایران خارج است؛ چرا که مخاطب این قوانین سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران یا تهیه‌کنندگان و مجریان داخلی بوده است. لذا در این موارد مسئولیت کیفری رسانه و شخص توهین‌کننده در

شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی قابل پیگیری در محاکم جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

توهین یکی از جرائمی است که مورد نکوهش عرفی و قانونی عموم جوامع انسانی است. با این حال آستانه تحقق این جرم بسته به فرهنگ‌ها و طرق انتشار آن متفاوت است. به طور مثال نمی‌توان توهین به یک شخص به طور خصوصی را با توهین به یک شخص یا گروه از طریق رسانه‌های گروهی یکسان دانست. طرح موضوع توهین در رسانه‌های گروهی در نظام‌های قضایی با یک دفاع مهم مواجه شده است. اصل آزادی بیان به عنوان یکی از اصول مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، مشروعیت جرم‌انگاری برای توهین را تا حدی زیر سؤال برده است تا جایی که گزارشگر آزادی بیان سازمان ملل را واداشته تا خواستار لغو قوانین کیفری در رابطه با توهین باشد. ماهیت کار رسانه‌ای نیز موجب شده است تا دست‌اندرکاران رسانه نیز اعتقاد چندانی به قوانین موجود در رابطه با توهین نداشته باشند. این دو موضوع ضرورت توجه به توهین در رسانه به عنوان ابزار اصلی آزادی بیان را مشخص می‌کند.

توهین در رسانه مورد توجه برخی نظام‌های حقوقی داخلی بوده است و از برخی آرا و اسناد بین‌المللی نیز مبانی جرم توهین در رسانه قابل استخراج است. در این رابطه آنچه در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد ضرورت وضع «مصونیت مشروط» برای رسانه است تا طرح دعوای توهین بهانه‌ای برای محدود کردن کارویژه رسانه که بیان عقیده به طور آزادانه است نشود. انعکاس مستقیم گزارش‌های رسمی و دولتی از رسانه نیز خودبه‌خود مشمول مصونیت مطلق خواهد شد. در کنار این امتیازات، بسیاری از رسانه‌های دنیا برای گریز از مسئولیت نیابتی از بابت توهین به اشخاص

دست به انعقاد قراردادهای غرامت یا قراردادهای بیمه می‌زنند. ظهور رسانه‌های فراملی و امکان تحقق توهین در آن‌ها نیز مسأله صلاحیت دولت‌ها در پیگرد و رسیدگی قضایی به آن را پیچیده کرده است. استفاده از تئوری انتشار در کنار پذیرش اصولی چون اصل اعتبار امر مختوم و اصل دعوای واحد تا حدودی از تعارض صلاحیت دولت‌ها در این زمینه خواهد کاست.

نظام حقوقی ایران درخصوص توهین در رسانه توجه سلبی داشته و صرفاً مصادیقی از توهین که رسانه‌ها باید از آن پرهیز کنند را ذکر کرده است، بی‌آن‌که مصونیتی برای رسانه‌ها در نظر گیرد. مصادیق توهین که در اساسنامه سازمان صدا و سیما و آیین‌نامه معاونت سینمایی وزارت ارشاد اسلامی ذکر شده‌اند در کنار سایر موارد مذکور در قانون مجازات اسلامی حاکی از آن است وضعیت رسانه ملی در ارتباط با توهین محدودتر از وضعیت افراد عادی است؛ چه آن‌که قوانین ذکر شده تنها حدود مصادیق توهین را برای رسانه‌ها گسترش داده‌اند. این سختگیری هرچند به علت عمومیت رسانه و برنامه‌های آن از جهتی قابل توجیه است، اما عدم اشاره به مواردی که می‌تواند رسانه‌ها را از تعقیب مصون نگاه دارد نیز مغایر با اصل انصاف و ماهیت کار رسانه‌ای است. به طور مثال انتشار گزارش‌های مردمی از تخلفات مسئولین و توهین در بداهه‌گویی‌های برنامه‌های زنده از مواردی است که نمی‌توان اعمال مجازات برای رسانه را در جهت وظایف رسانه‌ای دانست.

یکی از مشکلات طرح دعوای توهین علیه رسانه‌ها موضوع توزیع مسئولیت میان نویسنده، تهیه‌کننده، مجری، مدیر پخش یا رسانه در کلیت آن است. قوانین ایران در این خصوص رهنمودی نداده‌اند و در حال حاضر تنها منبع مناسب برای استنباط مبانی توزیع مسئولیت در رسانه، نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت در مطبوعات است. از آن‌جا که نظام حقوقی مسئولیت در مطبوعات نیز نظامی چندگانه است و قانون مطبوعات در برخی از موارد قائل به مسئولیت انحصاری نویسنده شده است (مانند توهین به دین مبین اسلام) و در برخی موارد قائل به مسئولیت مشترک نویسنده و

مدیرمسئول شده است (مانند توهین به رهبر انقلاب یا مراجع مسلم تقلید)، لذا تعمیم چنین فرمولی به عرصه رسانه ملی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران امری است که نیاز به تأمل بیش‌تر دارد؛ خصوصاً آن‌که اصول مربوط به تفسیر به نفع متهم و اصل قانونی بودن جرم و مجازات اجازه تنقیح مناط در این خصوص را نمی‌دهد.

۷. منابع

- [۱] جواهری، محمدرضا و موسوی، سیدرضا، «حکم اهانت به مریم مقدس در شریعت مسیحیت»، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ش ۸۲، ۱۳۸۸.
- [۲] سودمندی، عبدالمجید و مستقیمی قمی، بهرام، «افترا و ممنوعیت آن در نظام حقوق بشر»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۵، ش ۱، ۱۳۹۰.
- [۳] وحدت، مهدی، «فحش و توهین در قوانین خارجه»، *مجله مجموعه حقوقی*، ش ۵۰، ۱۳۱۷.
- [۴] قدسی، سید ابراهیم و کوهیان افضل دهکردی، امین، «مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران»، *مجله مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، س ۴۱، ش ۱، ۱۳۸۸.
- [5] “Developments in the Law: Defamation”, *Harvard Law Review*, Vol. 69, No. 5, 1956.
- [6] http://www.coe.int/t/dghl/standardsetting/media/doc/H-ATCM%282003%29001_en.pdf
- [7] Mullis, Alastair and Scott, Andrew, ” Something Rotten in the State of English Libel Law?: A Rejoinder to the Clamour for Reform of Defamation”.
- [8] available at <http://www.lse.ac.uk/collections/law/news/libel.pdf>
- [۹] کبیر، منوچهر، «بحث در جرائم بر ضد شرافت از نظر حقوق مادی»، *مجله کانون وکلا*، ش ۷۴، ۱۳۳۹.

- [10] “Defamation Immunity for Executive Officers”, *The University of Chicago Law Review*, Vol. 20, No. 4, 1953.
- [11] Docherty, Bonnie, “Defamation Law: Positive Jurisprudence”, *Harvard Human Rights Journal*, No. 13, 2008.
- [12] Wimmer, Kurt, “Toward a World Rule of Law: Freedom of Expression”, *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 603, Law, Society, and Democracy: Comparative Perspectives, 2006.
- [13] Dickinson, Edwin D., “The Defamation of Foreign Governments”, *The American Journal of International Law*, Vol. 22, No. 4, 1928.
- [14] Kohl, Uta, “Defamation on the Internet: Nice Decision, Shame about the Reasoning: Dow Jones & Co Inc v. Gutnick”, *the International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 52, No. 4, 2003.
- [15] Council of Europe Conference in Strasbourg on October 2002 within the framework of the Stability Pact for South-Eastern Europe.
- [16] Wagner, Wendy, “New Media, Defamation And The Doctrine Of Vicarious Liability: Does Canadian Law Force News Media Organizations To Be ‘Net Nannies’?”, *International Media Law Developments*, No. 3, 2009.
- [17] available at: http://www.gowlings.com/resources/publicationpdfs/wagnerw_sept09_1.pdf.
- [18] Smith, Michael C. and Peterson, Court, *Employers and Defamation in the Age of Social Media: A Look at an Employer’s Potential Liability as a “Publisher”*, presented at the Law Society of Upper Canada Special Lecture, 2013.

[۱۹] مرجانی، سعید، «بررسی جرم اهانت به مقدسات مذهبی در مقوانین موضوعه و

متون فقهی»، مجله *دادرسی*، ش ۶۹، ۱۳۸۷.

[۲۰] اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹.

[۲۱] صالح پور، فاطمه، «جرم افترا در حقوق ایران و لبنان»، مجله *دادرسی*، ش ۶۹،

۱۳۸۷.